

## چگونگی و چرایی تفاوت رفتار امام صادق(ع) در برابر عملکرد همگون حرّیز سجّستانی و ابن

نجاشی

تاریخ دریافت: ۱۶-۰۵-۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۰۳-۰۲-۱۳۹۹

علیرضا حیدری نسب<sup>۱</sup>

مهدی بیات مختاری<sup>۲</sup>

محمدباقر حیدری نسب<sup>۳</sup>

**چکیده:** حرّیز بن عبدالله و عبدالله بن نجاشی از صحابیان والامقام امام صادق(ع)، در «سجّستان»، در واکنش به ناسزاگویی خوارج به امام علی(ع)، تعدادی از آنان را کشتند. امام صادق(ع) در برابر این اقدامات مشابه، «حرّیز

- علیرضا حیدری نسب، استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، نویسنده مسئول

۲- مهدی بیات مختاری، دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه نیشابور

۳- محمد باقر حیدری نسب، دانش آموخته ارشد کلام اسلامی و معاون نهاد نمایندگی دانشگاه آزاد، زاهدان

« را از خود دور ساخت که حاوی تخطئه و تنبیه اوست و «ابن نجاشی» را پذیرفت و رفتارش را تصحیح نمود. پژوهش فرارو دنبال پاسخ به چگونگی و چرایی این موضع‌گیری متفاوت است.

درباره جرح یا توثیق این راویان، در منابع روایی، رجالی و برخی مجلات تخصصی، نکاتی آمده است؛ اما درباره چرایی تفاوت رفتار امام صادق(ع)، مقاله‌ای یافت نشد. بررسی و تحلیل اخبار مرتبط، نشان می‌دهند حمل روگردانی امام(ع) از حرّیز بر تقیه بی‌وجه نیست. همچنین گرچه حکم اولیه سب-کننده امام علی(ع)، قتل اوست لکن اجرای این حکم، مستلزم اذن معصوم(ع) و پیش‌بینی پیامدهای آن است که رعایت این جهات به‌ویژه از اصحابی در تراز حرّیز انتظار می‌رفته است؛ اموری که در شرایط متفاوت و در ارتباط با افرادی چون ابن نجاشی مورد انتظار نبوده است.

<sup>۱</sup> . استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) (heydarynasab43@theo.usb.ac.ir).

<sup>۲</sup> . دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه نیشابور (bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir).

<sup>۳</sup> . معاون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی - واحد زاهدان (mbhnasab@gmail.com).

کلیدواژه: امام صادق(ع)، دشمنی اهل بیت(ع)، حریز بن عبدالله، عبدالله بن نجاشی، خوارج

## ۱- طرح مسئله

حریز بن عبدالله سجستانی و عبدالله بن نجاشی از اصحاب برتر امام صادق(ع) هستند. با توجه به اینکه نصب اهل بیت(ع) از جمله دشنام به امام علی(ع) کفر و سبب هدر بودن خون است؛ ایشان هنگام مواجهه با سب<sup>۱</sup> خوارج در سجستان به حکم مهدوریت خون نواصب، عمل کردند. آنان پس از ارتکاب قتل برخی خوارج به جرم مذکور در محضر امام صادق(ع) حاضر شدند؛ امام(ع) از پذیرش حریز خودداری و بلکه او را از خود دور نمود و به این صورت ظاهراً او را تنبیه کرد و عبدالله بن نجاشی را به حضور پذیرفت و رفتارش را تصحیح نمود. چرایی تفاوت رفتار امام صادق(ع) با این دو صحابی و در ارتباط با جرم مشابه، موضوع تحقیق حاضر است.

در ارتباط با جرح یا توثیق این راویان پاره‌ای مطالب در منابع روایی و رجالی شیعه وارد شده است. در دوره معاصر در ارتباط با وثاقت حریز بن عبدالله و مسئله ارسال روایات او دو مقاله تخصصی توسط آقایان بیات مختاری و همدانی نگاشته شده است؛ اما درباره ابن نجاشی و چرایی تفاوت رفتار امام صادق(ع) با این دو، آن‌گونه که موضوع مقاله حاضر است، نوشته‌ای یافت نشد.

فرض آن است که گرچه حکم اولیه دشنام‌گو به امام علی(ع) هدر بودن خون اوست لکن اجرای این حکم مستلزم بررسی موقعیت اجراکنندگان، پیش‌بینی پیامدهای آن و استیذان از معصوم(ع) است که این امر مخصوصاً از عالمانی چون حریز انتظار می‌رفته است؛ اموری که در شرایط متفاوت و در ارتباط با افراد متوسط و بی‌ارتباط با امامان(ع) مانند ابن نجاشی مورد انتظار نبوده است.

## ۲- حریز بن عبدالله سجستانی

ابو عبدالله یا ابومحمد حریز بن عبدالله سجستانی از اصحاب صادقین(ع) و از فقهای تراز اول مکتب تشیع است. او مطابق برخی گزارش‌ها فرزند عبدالله بن حسین کوفی است که از مشایخ شیعه بوده در سجستان منصب قضا داشت و تا آخر عمر در آن سامان ماند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۸۹، إكمال الكمال، ج ۲، ص ۸۶ و تاج العروس، ج ۸، ص ۴۶.

بعضی بزرگان رجال شیعه چون برقی و کشی حریز را کوفی آزدی و عرب گفته‌اند که به دلیل مسافرت زیاد به سجستان و رهبری دینی مردم آن منطقه سجستانی خوانده شد. برخی دیگر او را مولی آزد به حساب آورده‌اند که محتمل است اصالتاً سجستانی یا کوفی تبار سجستانی مقام باشد.<sup>۱</sup> مولی بودن حریز و قاضی بودن پدرش در سجستان احتمال سجستانی بودن او را تقویت می‌کند.<sup>۲</sup>

حریز که در فقه اهل بیت (ع) سرآمد و از جمله در جریان گفتگوهای فقهی مردم سجستان با امام صادق (ع) شاهد دیدار بوده است<sup>۳</sup> با ابوحنیفه مناظره داشت.<sup>۴</sup>

وی که رهبر مذهبی سجستانیان بود در جریان مبارزه با خوارج در سجستان به شهادت رسید. شیخ مفید نوشته است: حریز بن عبدالله به سجستان رفت و در آنجا به قتل رسید. سبب، آن بود که او یارانی فرمان‌بردار داشت؛ بیش‌تر مردم سجستان از خوارج بودند. یاران حریز از آنان نسبت به امام علی (ع) ناسزا می‌شنیدند و به وی خبر داده، اجازه قتل ناسزاگویان را خواستند. حریز هم به آن‌ها اجازه داد. خوارج می‌دیدند که یکی پس از دیگری از آن‌ها کشته می‌شود. آنان به شیعیان به دلیل کمی تعدادشان گمان نمی‌بردند. انتقام کشته‌های خود را از مرجئه می‌گرفتند و با آن‌ها می‌جنگیدند. مدتی چنین گذشت تا در ادامه به واقعیت امر پی برده و شیعیان را دنبال نمودند. دوستان حریز در مسجد، اطراف او جمع شدند و خوارج که مترصد حضورشان در مسجد بودند، [مسجد را بر سرشان خراب و] خاک آن را زیور و نمودند. خداوند بر آنان رحمت فرستد!<sup>۵</sup>

در تبیین گزارش فوق باید گفت: شواهدی چون تعلقات خاطر عمیق سجستانیان به اهل بیت (ع) از قبیل خودداری آنان از سب امام علی (ع)، قیام زود هنگام بر علیه امویان پس از جریان کربلا و یا ضرب سکه به نام اهل بیت (ع) اطلاق و عمومیت سخن شیخ درباره غلبه جمعیتی خوارج در سجستان را با تأمل روبرو می‌کند. شاید مراد از سجستان در بیان شیخ، ناحیه‌ای از آن سامان بوده است که حریز در

عبدالله بن بلال اشعری در شعبان سال ۱۱۱ هجری به ولایت‌داری سیستان رسید و ابوحریز عبدالله بن حسین را به منصب قضاء سیستان گماشت. (تاریخ سیستان، ص ۱۲۷)

<sup>۱</sup> الرجال، برقی، ص ۴۱، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۱، الفهرست، طوسی، ص ۱۱۸، الرجال، طوسی، ص ۱۹۴، ابن داوود، ص ۱۳۹۲، ص ۷۲ و ۲۳۷ و معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۴۹.

<sup>۲</sup> الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۸۹، إكمال الکمال، ج ۲، ص ۸۶، ۵۶۹ و ج ۶، ص ۲۲۰.

<sup>۳</sup> الکافی، ج ۵، ص ۲۵۳.

<sup>۴</sup> اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۱ و الإختصاص، ص ۲۰۶.

<sup>۵</sup> الإختصاص، ص ۲۰۷.

آنجا به پیکار با خوارج فتوا داده است؛ به‌ویژه با آنکه سجستان گاه بر کل اقلیم و گاه بر مرکز آن چون زرنج اطلاق شده است، این احتمال تقویت می‌شود.<sup>۱</sup>

با آنکه حریز در میدان علم و عمل کارنامه روشنی داشته است رجال‌شناسان در ارتباط با عملکردش اختلاف کرده‌اند: برقی، کشی و نجاشی از تصریح به وثاقت حریز خودداری نموده‌اند؛ با این تفاوت که کشی و نجاشی به جرح او گراییده‌اند؛ کشی خبر فضل بقباق را مبنی بر عدم پذیرش حریز از سوی امام صادق(ع) نقل کرده است و نجاشی از اینکه وی پس از قتال با خوارج مورد طرد امام(ع) واقع شد گفته است.<sup>۲</sup>

مطابق برخی روایات، ابوالعباس بقباق<sup>۳</sup> جهت پذیرش حریز از سوی امام(ع) مکرر وساطت کرد و امام(ع) علاوه بر نپذیرفتن وساطت، واسطه را نیز توییح نمود.<sup>۴</sup>

در برابر، برخی از بزرگان رجال شیعه حریز را ثقه دانسته‌اند؛ شیخ طوسی به وثاقت حریز تصریح نموده است. حلی و ابن داوود ضمن اشاره به وجود ابهام در خبر نپذیرفتن حریز از سوی امام(ع) به توثیق وی گراییده‌اند.<sup>۵</sup>

اردبیلی پس از بررسی تفصیلی روایات و راویان حریز، جرح وی را ناوارد دانسته و نوشته است: امام صادق(ع) باید ایام اندکی وی را رانده و در ادامه بخشیده باشد.<sup>۶</sup>

خویی نیز ضمن نقل دیدگاه‌های مختلف نوشته است: با آنکه روایت نپذیرفتن حریز، صحیح و دلیل بر گناه وی است، اما نافی عدالت او نیست؛ زیرا مطابق شواهد، گناهش با توبه زایل شد؛ کثرت روایت او از امام صادق(ع) که باید بخشی از آن روایات پس از مقطع نپذیرفتن، أخذ شده باشد دلیل بر پذیرش وی توسط امام(ع) و وثاقت اوست.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۰، تاریخ سیستان، ص ۱۲۷ و سکه‌های ایران در دوره اسلامی تا برآمدن سلجوقیان، ص ۱۲۸.

<sup>۲</sup> الرجال، برقی، بی تا، ص ۴۱، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۰ و رجال النجاشی، ص ۱۴۵.

<sup>۳</sup> فضل بقباق از اصحاب ثقه امام صادق(ع) است. (رجال النجاشی، ص ۳۰۸ و الرجال، طوسی، ص ۲۶۸)

<sup>۴</sup> اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۰ و الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰.

<sup>۵</sup> الفهرست، طوسی، ص ۱۱۸، الرجال، طوسی، ص ۱۹۴، خلاصة الاقوال، ص ۱۳۴ و رجال ابن داوود، ص ۷۲ و ۲۳۷.

<sup>۶</sup> جامع الرواة، ج ۱، صص ۱۸۲-۱۸۶.

<sup>۷</sup> معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۲۳۲.

حریز از صادقین(ع) و اصحاب ایشان چون ابان بن تغلب، زراره بن اعین و محمد بن مسلم روایت کرده است و جمعی از راویان تراز اول شیعه چون عبدالله بن مسکان، ابان بن عثمان، محمد بن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمن از او روایت دارند.<sup>۱</sup>

برای حریز از چهار کتاب «الزکاء، الصلاة، الصیام و النوادر» یاد شده است که همه از اصول به حساب می‌آیند.<sup>۲</sup> وی در اسناد ۱۳۲۰ روایت وجود دارد.<sup>۳</sup>

## ۲-۱- بررسی و تحلیل

پیشامد اختلاف درباره وثاقت حریز ریشه در اخبار مرتبط با نپذیرفتن وی از سوی امام صادق(ع) دارد؛ و ازجایی که دلالت این اخبار بر جرح روشن نیست بعضی دانشمندان به گونه‌های مختلف، ضمن نقد دلالت آن اخبار، برای اثبات وثاقتش به گونه‌های زیر سخن گفته‌اند:

### الف- ضعف و تضعیف سندی روایات جرح‌آمیز

نجاشی روایت را بدون سند و با صیغه تمریض «رؤی» نقل نموده است که احتمالاً به صحت آن اعتقاد نداشته است.<sup>۴</sup>

درباره خبر بقباق نیز آمده است که درخصوص یکی از راویان، محمد بن عیسی تردید وجود دارد.<sup>۵</sup> البته وجود متابع برای خبر بقباق و حسنه‌بودن آن خبر، تضعیف سندی اخبار جرح‌آمیز را با تأمل مواجه می‌سازد.<sup>۶</sup>

### ب- تضعیف دلالتی روایات جرح‌آمیز

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۴۲۷، جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۳، معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۳۴، بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، ص ۶۸ و ۶۹.

۲. الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۷، الفهرست، طوسی، ص ۱۱۸ و رجال النجاشی، ص ۱۴۵.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۳۴.

۴. رجال النجاشی، ص ۱۴۵ و بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، ص ۷۴.

۵. خلاصة الاقوال، ص ۱۳۴.

۶. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰ و مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول(ص)، ج ۲، ص ۲۰۲.

آنچه از مجموع روایات مرتبط با طرد حریز برمی آید آنکه امام صادق(ع) حریز را از خود راند و در این جهت وساطت بقباق را هم رد کرد. امام(ع) عدم پذیرش را با موقعیت حریز و شمشیرکشیدن او ارتباط داد.

این رفتار امام(ع) مورد تحلیل‌های مختلف قرار گرفته است: بعضی دانشمندان با توجه به مشروعیت پیکار با خوارج، رفتار امام(ع) را متشابه و دلالتش بر تضعیف حریز را ناوارد دانسته‌اند.<sup>۱</sup> برخی از ایشان این رفتار را همانند رفتارشان با زراره، از باب تقیه و برای حفظ جان حریز دانسته‌اند.<sup>۲</sup> گروهی دیگر روایت طرد حریز را صحیح و دالّ بر خطای حریز دانسته‌اند که با عدالت وی منافات ندارد. ایشان گفته‌اند: خطا و گناه با توبه قابل زوال است و شواهد حاکی است که امام(ع) پس از زمانی محدود حریز را بخشید و به حضور پذیرفت.<sup>۳</sup>

بر این اساس حتی اگر رفتار امام صادق(ع) با حریز جدی و به سبب خطای او بوده باشد استمرار حضور حریز در میدان مبارزه تا پایان عمر و شهادت او در این میدان حاوی این نکات است که یا شمشیرکشیدن او از اساس بلاشکال و رفتار امام(ع) به سبب تقیه بوده است؛ و یا اینکه اگر در فرصتی خطا کرده و تنبیه شده است، در ادامه مورد بخشش و پذیرش امام(ع) واقع گردیده است.

#### ج- تصریح به توثیق حریز

جز توثیقات خاص شیخ طوسی، علامه حلی و ابن داوود رفتار شیخ صدوق، ابن قولویه و علی بن ابراهیم قمی که در آثار خود ادعای نقل از ثقات دارند و از حریز هم مکرر نقل کرده‌اند دلیل بر توثیق عام حریز توسط آنان است.<sup>۴</sup>

#### د- ستایش از حریز با تجلیل از کتاب او

<sup>۱</sup> خلاصة الأقوال، ص ۱۳۴، رجال ابن داوود، ص ۷۱ و ۲۳۷، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، ج ۴، ص ۲۷۳ و تکملة الرجال، ج ۱، ص ۳۷۲.  
<sup>۲</sup> استقصاء الإعتبار فی شرح الإستبصار، ج ۱، ص ۵۷، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول(ص)، ص ۲۰۲ و إکلیل المنهج فی تحقیق المطلب، ص ۱۷۹.

<sup>۳</sup> جامع الرواة، ج ۱، صص ۱۸۲-۱۸۶ و معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۲۳۲.

<sup>۴</sup> من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳، کامل الزیارات، ص ۶۶ و ۲۹۵ و تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹ و ۱۴۱ و ج ۲، ص ۹۶ و ۲۰۴.

حریر سجستانی از اصحاب اصول معتبر روایی است. مطابق روایت حسنه حماد بن عیسی کتاب صلاة او به تأیید امام صادق(ع) رسیده است.<sup>۱</sup> به این دلیل برخی از مشایخ و فقهای شیعه ضمن پذیرش اعتبار و مرجعیت کتاب حریر، از آن بر جلالت شأن وی استفاده نمودند.<sup>۲</sup>

### ۳- عبدالله بن نجاشی

أبو بَجِير (ابوالخیر، ابو خداهش) عبدالله بن النجاشی بن عثیم أسدی نصری (بصری، نصری) جد هفتم ابوالعباس نجاشی، صاحب رجال است که از سوی منصور عباسی به ولایت‌داری اهواز رسید.<sup>۳</sup> از تبار و سابقه حضورش در سجستان اطلاع زیادی در دست نیست. گرچه برایش پسوندهای عربی مذکور است اما آمدن او در ضمن «دهاقین»<sup>۴</sup> اشعار به ایرانی بودن او دارد.<sup>۵</sup>

عبدالله در ابتدا زیدی مذهب بوده در سجستان شماری از خوارج بیزاری جوی از امام علی(ع) - هفت یا سیزده نفر- را به قتل رساند. در فرصتی همراه عمار سجستانی به مدینه رفت و پس از ملاحظه اظهارات ناستوار عبدالله بن حسن، امام زیدیان در اندیشه تحول شد؛ با عمار در میان نهاد و به دنبال گفتگو با امام صادق(ع) به مذهب جعفری پیوست.<sup>۶</sup>

پاره‌ای گزارش‌ها حاکی است که عبدالله نجاشی با ابن حسن منازعات کلامی مختلفی داشت و از خلال آن گفتگوها به ضعف علمی و دوری عبدالله بن حسن از تعالیم عترت(ع) پی برد. ابن حسن می- گفت که شیعه میراثی افزون بر دیگران در اختیار ندارد.<sup>۷</sup> در روایتی دیگر آمده است: ابوالخیر گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: ابن حسن گمان دارد شما اهل بیت(ع) از داشتن پیشوایی آگاه بی بهره‌اید. حضرت(ع) فرمود: چنان نیست. ای ابن نجاشی به خدا سوگند واقعاً در میان ما کسانی وجود دارند که

<sup>۱</sup>. تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۸۱.

<sup>۲</sup>. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳، مستطرفات السرائر، ص ۵۸۹، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۱، ص ۹ و تکملة الرجال، ج ۱، ص ۳۷۲.

<sup>۳</sup>. رجال النجاشی، ص ۲۱۳ و خلاصة الأقوال، ص ۱۹۸.

<sup>۴</sup>. دهقان عنوان و مقامی ایرانی و به معنای تاجر بزرگ و کدخداست.

<sup>۵</sup>. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰.

<sup>۶</sup>. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲ و خلاصة الاقوال، ص ۱۹۷.

<sup>۷</sup>. كشف الغمة، ج ۳، ص ۴۰۳.

اخبار در دل و گوش آنان نهاده می‌شود و فرشتگان با آنان ملاقات دارند. پرسیدم: در میان شما؟! تا سه‌بار پاسخ داد: بلی به خدا سوگند در بین ما جود دارند.<sup>۱</sup>

جریان گرایش ابن نجاشی به امام صادق(ع) با اندک تفاوتی در منابع مختلف وارد شده است. کشی آن را از قول عمار سجستانی با سند متصل و تفصیل بیشتری چنین نقل کرده است: «از سجستان تا مکه همراه عبدالله بن نجاشی بودم. او بر عقیده‌ی زیدیه بود. هنگامی که به مدینه رسیدیم من، محضر امام صادق(ع) شتافته او نزد عبدالله بن حسن رفت. وقتی که برگشت او را شکسته‌حال یافتم که در رختخوابش ناآرام بود و آه می‌کشید. گفتم: اباجیر چه شده است؟ گفت: ان‌شاءالله برای هنگام صبح جهت من از امام خود اجازه‌ی ملاقات بگیر! صبحگاهان بر اباعبدالله(ع) داخل شدم و گفتم: این عبدالله بن نجاشی از من خواسته است تا از شما برایش اذن دخول بگیرم. او بر عقیده‌ی زیدیه است. فرمود: بیاید. هنگامی که داخل شد اباعبدالله(ع) او را نزدیک خود نشانده. اباجیر به امام(ع) گفت: فدایت شوم من همواره به برتری شما اقرار داشته، حق را تنها در شما می‌بینم؛ من سیزده نفر از خوارج را کشته‌ام که شنیدم همه‌ی آنها از علی بن ابی‌طالب(ع) براءت می‌جستند. امام صادق(ع) سؤال نمود: آیا این مسئله را از کس دیگری هم پرسیده‌ای؟ پاسخ داد: آری از عبدالله بن حسن پرسیدم و او جوابی نداشت. این- کارم بر او گران آمد و گفت: تو در دنیا و آخرت گرفتاری. گفتم: خدا تو را اصلاح کند؛ پس برای چه با مردم درباره علی(ع) دشمنی کردیم؟!»

اباعبدالله(ع) پرسید: اباجیر چگونه آنها را کشتی؟ جواب داد: بعضی از آنها را از طریق رفتن به پشت‌بام آنان با نردبان، کشتم ... پس حضرت(ع) فرمود: اباجیر اگر آنها را به امر امام کشته بودی در ارتباط با قتل آنان چیزی بر تو نبود؛ ولی تو بر امام سبقت جستی؛ لازم است که به این سبب سیزده گوسفند در منا ذبح کنی و گوشتش را صدقه دهی، و جز آن چیزی بر تو نیست.

سپس امام صادق(ع) از جریان ناگفته‌ای که برای ابن نجاشی اتفاق افتاده بود خبر داد. ... عمار گفت: ابوجیر به من رو کرده پرسید: این چه سخنی است که آن‌را به امام(ع) منتقل کرده‌ای؟! پاسخ دادم به‌خدا آن را برای هیچ‌کس نگفته‌ام و او(ع) دارد سختم را می‌شنود. امام صادق(ع) فرمود: ای اباجیر عمار چیزی برایم نگفته است. همین‌که از نزد حضرت(ع) خارج شدیم ابوجیر به من گفت: عمار،

<sup>۱</sup>. الإختصاص، ص ۲۸۶ و بصائر الدرجات، ص ۳۳۸.



گواهی می‌دهم که وی عالم آل محمد(ع) است؛ آنچه من داشتم باطل بود و وی صاحب امر رهبری است.<sup>۱</sup>

برخی گزارش‌ها حاکی است که ابن نجاشی پس از پذیرش مذهب جعفری و رسیدن به ولایت‌داری اهواز از جانب منصور عباسی، در تبلیغ مذهب امامی باصلاحت ظاهر شده است. او از جمله با شاعر معروف، سید حمیری ارتباطی تنگاتنگ داشت. سید در اشعارش از ابوبجیر به نیکی یاد کرده است. نجاشی از سید درخواست پیوستن به مذهب امامی و سرودن شعر در ارتباط با ولایت داشت و حمیری هم پذیرفت.<sup>۲</sup>

در کلام رجال‌شناسان توثیقی نسبت به وی دیده نمی‌شود؛ جز اینکه نجاشی از او در سیاقی فخرآمیز یاد کرده است.<sup>۳</sup> نامه‌های اختصاصی و بی‌مانند متقابل او و امام صادق(ع) و برخورد متواضعانه‌اش با نامه حضرت(ع) نیز از صلاحیت شخصیت ابن نجاشی حکایت دارد.<sup>۴</sup> علامه حلی و ابن داوود او را در شمار معتمدان آورده‌اند.<sup>۵</sup> مامقانی نیز حسن و معتمدبودن ابن نجاشی را تقویت نموده است.<sup>۶</sup>

در مقابل، علامه مجلسی او را ضعیف شمرده است.<sup>۷</sup> خوبی ضمن ذکر شواهد مختلف مرتبط با رجوع نجاشی به مذهب جعفری، نامه امام صادق(ع) به وی و معتمدش‌مردن او توسط علامه و ابن داوود حلی گفته است: وثاقت او ثابت نیست؛ نامه امام(ع) که متضمن مدح است به سبب مجهول‌بودن نوفلی ضعیف است و سخن دو حلی هم که گویی مبنی بر اصالة الصحه است از نظر اعتبار ندارد. او در پایان، بدون ذکر دلیل، نظر علامه مجلسی در ضعف نجاشی را پذیرفته است.<sup>۸</sup>

مطابق گزارش‌ها ابن نجاشی پس از ملاحظه ضعف اعتقادی و علمی عبدالله بن حسن و مشاهده علم متفاوت امام صادق(ع) به مذهب دوازده‌امامی پیوست و مکاتباتی با حضرت(ع) داشت.<sup>۹</sup> از جمله

۱- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲، باختصار، الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶، بصائر الدرجات، ص ۲۶۵ و تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

۲- دیوان السید الحمیری، ص ۷۱، ۱۰۴ و ۱۵۸، اخبار السید الحمیری، ص ۱۶۶ و اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۹۱.

۳- رجال النجاشی، ص ۱۰۱ و ۲۱۳.

۴- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲ و الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰، ج ۷، ص ۳۷۶.

۵- خلاصة الأقوال، ص ۱۹۷ و رجال ابن داوود، ص ۱۲۴.

۶- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۲۰.

۷- الوجیزة فی الرجال، ص ۱۱۱.

۸- معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۸۵.

۹- الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰، کشف الریبة عن احکام الغیبة، ص ۸۶ و وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰۷.

این مکاتبات که به صورت مصنف بی‌مانندی از امام صادق(ع) گزارش شده است رساله مبسوطی شامل پاسخ‌های آن امام(ع) به سؤالات وی در ارتباط با سیرت زمامداران در حوزه امور فردی و اجتماعی است که از آن با عنوان «الأهوازیه»، «رسالة الأهوازیه» و ... یاد شده است.<sup>۱</sup>

دیگر مکاتبه، نامه‌ای است که امام صادق(ع) به درخواست یکی از بدهکاران، خطاب به ابن نجاشی به‌عنوان والی اهواز نوشته است. گزارش نامه این‌گونه است: نجاشی یکی از دهقانان و فرماندار اهواز و فارس بود. یکی از شهروندان حوزه عمل او به امام صادق(ع) گفت: در دیوان نجاشی بدهی دارم؛ او فردی باایمان و معتقد به اطاعت از شماست. کاش برایم نامه‌ای خطاب به او می‌نوشتی! امام(ع) خطاب به نجاشی چنین نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم، برادرت را شاد کن تا خدا تو را شاد گرداند. راوی گفت: هنگام ورود صاحب نامه، نجاشی جلسه داشت. وقتی خلوت شد نامه را تحویلش داد و گفت: این نامه امام صادق(ع) است. ابن نجاشی نامه را بوسید و بر چشمانش نهاد و پرسید: چه حاجتی داری؟ گفت: به دیوانت بدهکارم. پرسید: چه مقدار؟ گفت: ده هزار درهم. نجاشی کاتبش را خواند و فرمان داد تا بدهی‌اش را از او برداشته و در آینده نیز چنان کنند؛ سپس سؤال نمود: آیا ترا خوشحال کردم؟!<sup>۲</sup>

ابن نجاشی راوی امام صادق(ع) و عمر بن اذینه و سفیان بن سمط از راویان نجاشی‌اند.<sup>۳</sup>

### ۳-۱- بررسی و تحلیل

درباره ابن نجاشی نیز رجالیان اختلاف کرده‌اند؛ بعضی او را ضعیف خوانده‌اند و گروهی دیگر وی را ستوده‌اند و یا در موقعیت حسن و معتمد بودن نشانده‌اند؛ تفصیلی‌ترین بیان در این ارتباط را مامقانی دارد؛ او نوشته است: گرچه در سخن رجالیان شیعه حکم به وثاقت ابن نجاشی دیده نمی‌شود، اما از اظهارات آنان دو قول قابل دریافت است:

<sup>۱</sup>. رجال النجاشی، ص ۲۱۳، كشف الریبة عن احكام الغیبة، ص ۸۶، وسایل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰۷ و الرسائل الرجالية، ج ۲، ص ۳۳۷.

<sup>۲</sup>. الکافی، ج ۲، ص ۱۹۰.

<sup>۳</sup>. الکافی، ج ۸، ص ۳۳۵ و بصائر الدرجات، ص ۴۰۳.

۱- ضعف وی که علامه مجلسی در وجیزه آورده است. ظاهراً این داوری به سبب پذیرش ولایت منصور عباسی از سوی اوست، که در این باره اجازه‌ای از امام صادق(ع) نیز دیده نمی‌شود.

۲- حسن و معتمدبودن او که از یادکرد ابوالعباس نجاشی از عبدالله، اظهارات علامه حلی و ابن داوود درباره‌اش برداشت می‌شود. شواهد این قول مراجعت او به تشیع امامی و وجود ستایش‌هایی است که او را در ضمن افراد حسان قرار داده و سبب وثوق به اخبارش می‌شود. روایت عمار سجستانی در تغییر مذهب او، روایت نوفلی مبنی بر اضطراب او در پذیرش زمامداری اهواز، سؤال و جوابش با امام صادق(ع) و زاهدخواندن او توسط شیخ طوسی در همین جهت قابل ذکر هستند. مامقانی در نهایت جمع‌بندی مناسبی کرده است: ... از آنچه ذکر شد فهمیده می‌شود او از رجال حسان و معتمد بوده است. قطعاً رفتار علامه حلی و ابن داوود که او را در شمار رجال مورد اعتماد آورده‌اند صحیح و آنچه در ضعفش آمده است خطاست.<sup>۱</sup>

قول به ضعف ابن نجاشی به دلایلی قابل مناقشه است؛ اگر درباره‌اش سخن از توثیق وجود ندارد حکم به تضعیف توسط متقدمان نیز نیامده است. رجوع ابن نجاشی به مذهب حق، مکاتبات او با امام صادق(ع)، ستایش شیخ طوسی از وی، داوری رجالیان حلی و وجود تردید در سلامت عبارت نسخه وجیزه مجلسی در تضعیف او اگرچه در اثبات وثاقتش ناتمام است، دست‌کم سبب حسن و معتمدبودن وی می‌شود. ضمناً عبدالله نوفلی که مجهول خوانده شده است نزد اهل سنت مقبول، از رجال ترمذی و راوی مناقب اهل بیت(ع) است.<sup>۲</sup>

#### ۴- مبانی نظری تحقیق

شریعت اسلام مبتنی بر پاره‌ای مبانی و دارای برخی ضوابط است که حرکت در چارچوب آن موجب تأمین صلاح و سعادت است و تخطی یا بی‌مبالاتی، اسباب ناکامی و فساد را فراهم می‌آورد. در ارتباط با موضوع بحث، گفتنی است توجه به موقعیت اهل بیت(ع) و رعایت چارچوب صحیح تعامل با آنان مهم و ضروری می‌نماید. برخی از مبانی و مقررات به‌قرار زیر هستند:

#### ۴-۱- حرمت نصب و دشنام به اهل بیت(ع)

<sup>۱</sup>. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۲۰.

<sup>۲</sup>. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۴۹۹ و تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۱۷.

همان‌گونه که حبّ اهل‌بیت(ع) شرط ایمان است دشمنی با آنان نشان از کفر دارد. لذا سبّ پیامبر(ص) جرم، سبب ارتداد و هدربودن خون فرد دانسته شده است.<sup>۱</sup> برای سبّ امامان و دیگر انبیاء(ع) نیز حکم قتل آمده است.<sup>۲</sup> بعضی گفته‌اند: حتی کسی که امامی عادل را سبّ کند نیز باید کشته شود.<sup>۳</sup>

اقدامات حرّیز سجستانی و عبدالله بن نجاشی در پیکار با خوارج نمونه‌هایی از عمل به این حکم شرعی‌اند.

#### ۴-۲- ضرورت استیذان از حاکم شرعی در امر قتل

بی‌گمان امر به معروف و نهی از منکر واجباتی هستند که عمل به آن موجب برپایی دیگر فرایض می‌شود. البته عمل به این فرایض شرایط و مراتبی دارد. در حدیث آمده است: «... من رأى منك منكرًا فليغيره بيده فإن لم يستطع فبلسانه فإن لم يستطع فبقلبه و ذلك أضعف الإيمان»<sup>۴</sup>

با این وجود در صورت تأثیرداشتن مرتبه پایین‌تر امر و نهی، نوبت به مرتبه بالاتر نمی‌رسد. از سوی دیگر اقدام به این واجبات، مستلزم شناخت معروف و منکر و داشتن مجوز برای ورود به مراتب سخت‌تر آن، مخصوصاً قتل نفس است. لذا برای دستیابی به آثاری مطلوب، استیذان از ولی شرعی ضرورت دارد.<sup>۵</sup>

بر این اساس امام صادق(ع) از حرّیز انتظار استیذان داشت و در قالبی گلایه‌آمیز فرمود: او مملوک ماست؟ شمشیر کشید!<sup>۶</sup> به این نجاشی نیز گفت: اگر آنان را به فرمان امام کشته بودی چیزی بر تو

<sup>۱</sup>. الکافی، ج ۷، ص ۲۶۷، الانتصار، ص ۴۸۰ و المجموع، ج ۱۹، ص ۴۲۶.

<sup>۲</sup>. غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ص ۴۲۸، المختصر النافع، ص ۲۲۱ و شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۹۴۸.

<sup>۳</sup>. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۴۴.

<sup>۴</sup>. صحیح مسلم، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰.

<sup>۵</sup>. المقنعة، ص ۸۰۹، شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۲۵۹، جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۸۱ و تحریرالوسیلة، ج ۱، ص ۴۸۱.

<sup>۶</sup>. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰.

نبود.<sup>۱</sup> امام(ع) اضافه کرد تا ابن نجاشی جهت کفاره این خودسری‌ها برای هر قتل، یک قربانی انجام دهد. این رفتار امام(ع) بر ضرورت استیذان و قربانی دادن ظهور دارد.

با این وجود فقها در ارتباط با این استیذان و قربانی اختلاف کرده‌اند؛ مجلسی اول گفته است: ظاهراً این قربانی استحبابی است.<sup>۲</sup> علامه مجلسی نیز نوشته است: هیچ‌کس از فقهای ما قائل به وجوب این کفاره و بلکه وجوب استیذان از امام در این زمینه نیست. شاید این دو مستحب باشند. صاحب شرایع گوید: قتل سبّ النبی(ص) بر شنونده، مادامی که ترس ضرر بر خود، مال و یا دیگر مؤمنان نداشته باشد رواست. همین‌گونه است حکم کسی که سبّ امامان(ع) کند. در مسالک آمده است: این حکم اتفافی و دارای شواهد روایی است.<sup>۳</sup>

محقق بحرانی گفته است: وجوب استیذان برای قتل سبّ‌کننده امیرالمؤمنین(ع) باید مربوط به زمان حضور معصوم(ع) باشد. آنچه از سخن بزرگان شیعه فهمیده می‌شود وجوب قتل سبّ، بدون ارتباط با دیه مقتول به‌طور کلی است.<sup>۴</sup>

در دوره معاصر و در پناه حکومت اسلامی نیز ملاحظه مراتب امر به معروف و نهی از منکر و واگذاری امر مراتب نیازمند اعمال قدرت به حاکمیت مورد نظر است.<sup>۵</sup>

به‌هر حال به نظر می‌آید استیذان از ولی شرعی در ارتباط با قتل لازم است.

#### ۴-۳- ضرورت حفظ شیعه در برابر مخاطرات

شیعه به حکم شریعت، همواره در برابر زمامداران جائر و جریان‌های انحرافی موضع داشته است. با این وجود بقای جماعت شیعه که عموماً در اقلیت بوده است تنها در پناه تدابیر امامان(ع) میسر شده است. از جمله این جریان‌های انحرافی جریان قشری‌گرای خوارج است که برخلاف بسیاری از گروه‌های

<sup>۱</sup> اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲ و الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶.

<sup>۲</sup> روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۰، ص ۳۱۱.

<sup>۳</sup> مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول(ص)، ج ۲۴، ص ۲۲۴.

<sup>۴</sup> الشهاب الثاقب فی بیان معنی الناصب، ص ۲۶۲.

<sup>۵</sup> پایگاه: WWW.KHAMENEI.IR، استفتانات ۱۰۵۴ و ۱۰۶۴، تاریخ بازدید، ۱۳۹۸/۵/۱.

معاند، علاوه بر منازعه با شیعه با حاکمان نیز در ستیز بوده‌اند. لذا مسئله مقابله شیعه با این جماعت با ملاحظاتی خاص دنبال شده است.

جریان خارجی‌گری نگرش متفاوتی به دین و دولت داشت. امام علی(ع) در ایام حاکمیت خود، با ایشان مادامی که برای شهروندان مشکل‌ساز نبودند مدارا نمود و پس از مقابله با آنان به این اقدام خود مباحثات هم نمود. سبب این مباحثات آن بود که امام(ع) ترسناک‌ترین فتنه‌ها را نه فتنه خوارج، بلکه فتنه امویان می‌دانست.<sup>۱</sup>

حضرت(ع) پس از درهم‌شکستن جمع و جماعت خارجیان درباره رفتار با آنان سفارش‌های متفاوتی داشت. او(ع) که می‌دانست خوارج به قدرت نخواهند رسید و از سویی پیکار شیعه با آنان، هم برای شیعیان هزینه دارد و هم به سود زمامداران ستمگر تمام می‌شود، مقابله با ایشان را مشروط به ستیز آنان با امامان عادل دانست<sup>۲</sup> و در توضیح سبب گوناگونی رفتار با خارجیان فرمود: **حکم** کسی که در پی حق باشد و خطا کند با آنکه آگاهانه به دنبال باطل است برابر نیست.<sup>۳</sup>

امام حسن(ع) نیز در پاسخ به درخواست معاویه مبنی بر پیکار با خارجیان فرمود: اگر بخواهم با اهل قبله مقابله کنم تو اولی به نبرد هستی!<sup>۴</sup> مطابق گزارشی دیگر فرمود: برای صلاح و الفت مسلمانان جنگ با تو را رها کردم؛ مرا پنداری که در معیت تو پیکار کنم!<sup>۵</sup>

بر این اساس نبرد با خوارج مشروط و تابع رعایت ملاحظاتی چون حفظ شیعه و سودنبردن زمامداران ستمگر از این مقابله بوده است؛ اموری که در ارتباط با مقابله حریز و ابن نجاشی با خوارج قابل تأمل می‌نمایند.

#### ۴-۴- همراهی امام صادق(ع) با جهاد مجاهدان

بی‌گمان معصوم(ع) از افقی برتر به حوادث می‌نگریسته و مناسب‌ترین مواضع را در هر موقعیتی اتخاذ می‌کرده است؛ و گرچه امام صادق(ع) جهاد علمی فرهنگی را در صدر اقدامات خود داشته‌اند اما

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، ۱۳۸۷ق، ص ۱۳۷.

<sup>۲</sup>. کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۲۰.

<sup>۳</sup>. نهج البلاغه، ۱۳۸۷ق، ص ۹۴.

<sup>۴</sup>. أنساب الأشراف، ج ۵، ص ۱۶۳.

<sup>۵</sup>. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۴ و علی و الخوارج، ج ۱، ص ۴۰۳ و ۴۰۴.

از پشتیبانی از مبارزات عملی مجاهدانی که در پی امر به معروف و نهی از منکر جان خود را در معرض خطر گذاشته بودند نیز غفلت نورزیدند.

امام(ع) در مواردی اقدامات مسلحانه یاران خود را که عموماً بر ضد امویان بود تأیید نمودند؛ ایشان(ع) با پذیرش قیام مسلحانه زید بن علی(ع) اقدامات مسلحانه همراهانش چون حفص بن سالم حناط و سلیمان بن خالد را هم تأیید کردند.<sup>۱</sup> لذا رجالیان هم آنان را توثیق و ستایش نموده‌اند.<sup>۲</sup>

از ظاهر رفتار امام صادق(ع) با ابن نجاشی نیز چنان برمی‌آید که حضرت(ع) اقداماتش در قتل خوارج را تأیید ضمنی ولی تصحیح نمود.

#### ۵- طرد حریز و پذیرش ابن نجاشی از سوی امام صادق(ع) در یک نگاه

حریز پس از قیام مسلحانه در سجستان با طرد امام صادق(ع) مواجه شد<sup>۳</sup> و وساطت‌های فضل بقباق برای پذیرش او نیز بی‌فایده بود. بقباق در ارتباط با میزان مناسب مجازات مملوک از سوی ارباب پرسید و هنگامی که از امام(ع) از تناسب کیفر و گناه شنید گفت: شما حریز را بیش از گناهش مجازات نموده‌اید. حضرت(ع) ضمن انکار، رفتار حریز را تخطئه کرد و طرد او را به سبب خروج مسلحانه دانست. ضمناً بقباق را نیز به سبب اصرار بر پذیرش حریز توبیخ نمود.<sup>۴</sup>

ابن نجاشی نیز پس از قتل شماری خارجی به مدینه رفت و هنگام ناامیدی از اظهارات امام زیدیان با وساطت عمار سجستانی به حضور امام صادق(ع) رسید و از اقداماتش در قتل و کیفیت قتل خوارج گفت. امام(ع) ضمن گوشزد کردن لزوم استیذان، راه جبران این اقدام خودسرانه را در قربانی‌دادن دانست.<sup>۵</sup>

از ظاهر این گزارش‌ها استفاده می‌شود که هم حریز و هم ابن نجاشی بدون اذن ولی شرعی به قتل خوارج پرداختند؛ امام(ع) حریز را طرد، ولی ابن نجاشی را راهنمایی نمود. همچنین برمی‌آید که هر دو

<sup>۱</sup>. عیون أخبار الرضا(ع)، ج ۱، ص ۲۲۵ و کفایة الأثر، ص ۳۰۶.

<sup>۲</sup>. رجال النجاشی، ص ۱۳۵ و ۱۸۳ و الرجال، طوسی، ص ۲۱۵، الفهرست، ص ۱۱۷، خلاصة الأقوال، ص ۱۲۷ و تکملة الرجال، ج ۱، ص ۳۷۴ و ۴۵۱.

<sup>۳</sup>. رجال النجاشی، ص ۱۴۵.

<sup>۴</sup>. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۰ و اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۸۰.

<sup>۵</sup>. الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲، بصائر الدرجات، ص ۲۶۵ و تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۳.

درصدد عمل به تکلیفی شرعی و حکمی اولیه - قتل دشنام‌گویان به عترت(ع) - و غافل از حکم ثانوی اجازه از ولی شرعی بوده‌اند.

## ۶- دلایل تفاوت رفتار امام صادق(ع) با حریز

با توجه به اینکه بی‌گمان رفتار معصوم خالی از حکمت نیست، اسباب تفاوت رفتار امام(ع) و برخورد تند با حریز را باید در موارد زیر جستجو نمود:

### ۶-۱- حفظ حریز و تقیه

تقیه به معنای همراهی ظاهری مؤمنان با خصم و به‌عنوان اقدامی حفاظتی در دوران امام صادق(ع) به‌طور خاص مورد استفاده و سفارش بوده است. این تدبیر قرآنی<sup>۱</sup> در هنگام خطر، قَلَّتْ و ضعف مؤمنان نقش بی‌مانندی در حفظ جماعت شیعه داشته است. در مقاطعی از دوران پرمخاطره ابوعبدالله صادق(ع) حتی توجه و سلام به امام(ع) خطرناک بوده است؛ لذا برخی اصحاب از حضرت(ع) فاصله می‌گرفته‌اند تا سبب ایجاد دشواری برای امام(ع) نشوند.

کلینی ۳۹ حدیث در باب تقیه، کتمان و سفارش به آن دو آورده است.<sup>۲</sup> از جمله حماد لحام گفته است: در اثنای راهی مقابل امام صادق(ع) واقع شدم. صورتم را برگرداندم و گذشتم. سپس بر امام(ع) وارد شده گفتم فدایت گردم؛ مقابل شما واقع می‌شوم ولی صورتم را برمی‌گردانم تا برایتان مشکلی پیش نیورم. امام(ع) فرمود: خداوند ترا رحمت کند؛ دیروز فردی در فلان مکان با من روبرو شد و «علیک‌السلام یا اباعبدالله» گفت؛ کار خوبی نکرد.<sup>۳</sup>

گاهی اوقات هم امام(ع) از برخی اصحاب خاص اعراض یا حتی بدگویی کرده است تا از آسیب بدخواهان در امان ماند. عبدالله بن زراره گفت: امام صادق(ع) به من فرمود: سلام مرا به پدرت برسان. به او بگو من تنها برای دفاع، از تو بد می‌گویم. زیرا بدخواهان به‌سوی هرکس که او را به خود نزدیک کرده، موقعیتش را می‌ستاییم می‌شتابند تا به آنان اذیت رسانند؛ چون او را دوست داریم و نزدیک ماست به‌ویژه اتهام می‌زنند؛ قصد اذیت و قتلش را می‌کنند و هرکس را که ما بد گوئیم می‌ستایند. عیب

<sup>۱</sup>. نحل/۱۰۶ و غافر/۲۸.

<sup>۲</sup>. الکافی، ج ۲، ص ۲۱۷.

<sup>۳</sup>. همان، ج ۲، ص ۲۱۸.



را گویم زیرا به جهت ما مشهور شده و مملوک مایی و به این دلیل که ما را دوست و به ما میل داری پیش دیگران مذموم و ناستوده‌ای. خواستم عیبت را گویم تا به این سبب ترا بستایند و به این صورت شرّ آنان از تو دفع شود؛ همانند جریان کشتی افراد مسکینی که قرآن گفته است و حضرت خضر(ع) آن را برای در امان ماندن معیوب ساخت ... در مثال دقت کن! به خدا سوگند در دنیا و آخرت محبوب‌ترین مردم پیش من و پدرم هستی ...<sup>۱</sup>

بر همین اساس برخی از فقیهان و رجالیان، طرد حریز از سوی امام صادق(ع) را از باب تقیه دانسته‌اند. علامه مجلسی گفته است: شاید امام(ع) همانند رفتار با زراره به سبب تقیه و جهت جرأت نیافتن حریز بر تکرار آن رفتار، از پذیرش وی خودداری نمود.<sup>۲</sup>

با توجه به مشروعیت اقدام حریز، فضای حاکم و پیامدهای شهرت امام صادق(ع) و یارانشان به اقدامات مسلحانه، استفاده حضرت(ع) از عنصر تقیه در جریان حریز بی‌وجه نیست. این محذور برای امام(ع) در ارتباط با ابن نجاشی نبوده است.

از اخبار نجاشی و بقباق در ارتباط با عدم پذیرش حریز از سوی امام صادق(ع) برمی‌آید که یا ایشان(ع) تقیه کرده‌اند و یا با کارزار با خوارج در آن شرایط مخالف بوده‌اند. در صورت ناوارد دانستن احتمال تقیه، اسباب تفاوت رفتار حضرت(ع) باید در موارد زیر جسته شود:

## ۶-۲- تفاوت مذهبی حریز و ابن نجاشی

یکی از دلایل احتمالی تفاوت رفتار امام(ع) با این صحابیان تفاوت مذاهب ایشان است. حریز متعلق به خاندانی با سابقه، اهل علم و از اصحاب برتر امام صادق(ع) است؛ اما ابن نجاشی دهقانی زیدی-مذهب بوده است.<sup>۳</sup>

جهاد و مبارزه مسلحانه جایگاهی اساسی در مذهب زید دارد؛ زید بن علی(ع) گفته بود: هرکس دنبال جهاد است پیش من آید و هرکه در پی علم است نزد برادرزاده‌ام جعفر رود.<sup>۴</sup> ابن نجاشی همراه

<sup>۱</sup>. اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۹ و ۳۵۲.

<sup>۲</sup>. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول(ص)، ج ۲۴، ص ۲۰۲.

<sup>۳</sup>. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲ و الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶.

<sup>۴</sup>. کفایة الأثر، ص ۳۰۶.

با عمار سجستانی راهی مدینه و در آنجا بر امام زیدیان وارد شد. دغدغه‌اش در ارتباط با قتل خوارج را با او در میان گذاشت و هنگامی که پاسخ مناسب دریافت نکرد سرخورده شد. آن‌را با عمار سجستانی در میان گذاشت و به حضور امام صادق(ع) رسید. امام(ع) پس از بررسی جوانب امر او را برای جبران رفتارش راهنمایی کرد.<sup>۱</sup>

به این ترتیب ابن نجاشی مطابق مذهب خود صحیح عمل نموده است؛ بر همین اساس در ارتباط با مستبصران آمده است که اگر آنان مطابق مذهب قبلی خود عمل کرده باشند عمل آنان صحیح بوده جز در ارتباط با زکات، لازم به اعاده نیست.<sup>۲</sup>

چنان به نظر می‌رسد همان‌گونه که امام صادق(ع) با وجود زمینه برای ورود به اقدامات مسلحانه جهاد زیربنایی علمی و فرهنگی را ترجیح دادند، از یاران خود نیز چنان انتظاری داشتند؛ به‌ویژه آنکه در مذهب جعفری ورود به مرتبه یدی امر به معروف و نهی از منکر نیاز به استیذان از معصوم(ع) داشته است. لذا حریز بدان جهت که بدون اذن امام(ع) شمشیر کشیده بود مورد طرد حضرت(ع) قرار گرفت.

### ۶-۳- تفاوت مقام فقهتی و اختصاص حریز

شواهد نشان می‌دهند که حریز، فقیهی تراز اول و از اصحاب خاص امام صادق(ع) بوده است.<sup>۳</sup> صحیح‌ه حماد بن عیسی مبنی بر تأیید اصل صلات حریز و اهتمام صدوق و دیگر فقیهان به آن، دلیل مقام برتر فقهی اوست.<sup>۴</sup> این موقعیت حریز برای ابن نجاشی نبوده است؛ لذا انتظاری که از حریز با آن موقعیت علمی و آن‌هم در منطقه‌ای که شیعه در اقلیت بوده است می‌رفته است از ابن نجاشی نمی‌رفته است. سخن از مملوکیت حریز برای امام(ع) نشان از موقعیت خاص حریز و نگرانی حضرت(ع) بر او و یارانش از پیامدهای این اقدامات دارد؛ یعنی همان سرنوشتی که در ادامه برایشان رقم خورد و همه یک‌جا در مسجد به شهادت رسیدند!<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲ و الکافی، ج ۷، ص ۳۷۶.

<sup>۲</sup>. الکافی، ج ۳، ص ۵۴۶، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۲، ص ۴۳۲، الرسائل العشر، ص ۱۹۷ و المعتبر، ج ۲، ص ۷۶۵.

<sup>۳</sup>. رجال ابن داوود، ص ۲۳۷.

<sup>۴</sup>. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

<sup>۵</sup>. الإختصاص، ص ۲۰۷.

وقتی ملاحظه گردد که این هزینه برای مبارزه با خوارج به‌عنوان جریانی مخالف حکومت جاثران پرداخت شده است بلندنظری امام(ع) آشکارتر می‌شود.

#### ۶-۴- تفاوت منطقه حضور و فعالیت حریز و ابن نجاشی

گزارش‌های مرتبط نشان می‌دهند خوارج که همواره با حاکمان در ستیز و تحت تعقیب بوده‌اند در مناطق مختلف ایران از جمله کرمان، خراسان و سجستان حضور داشته‌اند. این حضور در برخی نواحی سجستان مانند ناحیه فعالیت حریز پررنگ و شیعه امامی در اقلیت بوده است. مطابق پاره‌ای گزارش‌ها مذهب غالب در سجستان مذهب حنفی بوده است. خوارج نیز حضور قابل توجهی در این منطقه داشته‌اند. این حضور در برخی نواحی آن چون کرکویه غالب بوده است.<sup>۱</sup> با توجه به استعمال مشترک سجستان بر کل اقلیم و بر مرکز یا بعضی از نواحی آن ممکن است مراد شیخ مفید از غلبه خوارج در سجستان، کرکویه یا ناحیه‌ای دیگر از سجستان بوده باشد.

به سبب غلبه جمعیتی خوارج در برخی نواحی سجستان مبارزه حریز و شیعیان با آنان در این نواحی می‌توانسته است به ضرر شیعه تمام شود. از سوی دیگر از زیدی بودن نجاشی برمی‌آید که او در جریان مبارزه با خوارج ارتباطی با حریز و فتوای او در قتل دشنام‌گویان نداشته است؛ و محتمل است وی در منطقه‌ای فعالیت می‌کرده است که برخلاف منطقه حضور حریز، شیعیان در آنجا حضوری متفاوت و احیاناً پررنگ‌تر داشته‌اند. لذا خوف از بین رفتن شیعه به سبب مبارزه با خوارج نمی‌رفته است.

#### ۷- نتیجه:

۱. برآیند اخبار و گفتار رجالیان، وثاقت حریز بن عبدالله سجستانی است؛ اما اقوال و شواهد، حد-اکثر ممدوح و حسن بودن ابن نجاشی را اثبات می‌کنند.
۲. اینکه رفتار امام صادق(ع) با حریز از باب تقیه و برای حفظ وی بوده است، نمونه‌های متعدد و متابعاتی در تاریخ تشیع دارد.
۳. اگر احتمال تقیه، منتفی تلقی شود، راز تفاوت رفتار امام(ع) باید در جهات زیر جسته شود:

۱- جعفری بودن حریز از آغاز و زیدی بودن ابن نجاشی

<sup>۱</sup>. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۰.

ب- برجستگی فقهی و جایگاه ویژه حریر

ج- کمی جمعیت شیعه در منطقه حضور حریر و ضرورت دقت عمل بیشتر

### منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، بی‌نا، بیروت، ۱۳۸۷ق، الطبعة الأولى.
۳. اخبار السيد الحمیری، محمد بن عمران مرزبانی خراسانی، تحقیق: محمد هادی امینی، بیروت: شركة الكتبی للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۳ق، الطبعة الثانية.
۴. اعیان الشیعة، محسن امین عاملی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا.
۵. أنساب الأشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: محمد حمیدالله، مصر: معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية بالاشتراك مع دارالمعارف، ۱۹۵۹م.
۶. إختيار معرفة الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید مهدی رجالی، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
۷. الإختصاص، محمد بن محمد مفید، تحقیق: علی أكبر غفاری، السيد محمود الزرندي، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق، الطبعة الثانية.
۸. إستقصاء الإعتبار فی شرح الإستبصار، محمد بن حسن، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۹ق، الطبعة الأولى.
۹. إكليل المنهج فی تحقیق المطلب، محمد جعفر خراسانی کرباسی، تحقیق: جعفر حسینی اشکوری، قم: دارالحديث للطباعة والنشر، ۱۴۲۵ق، الطبعة الأولى.
۱۰. إكمال الكمال، علی بن هبة الله بن ماکولا، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۱. الإنتصار، علی بن حسین موسوی، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين، ۱۴۱۵ق.
۱۲. بصائر الدرجات، محمد بن حسن فروخ صفار، تحقیق: میرزا حسن کوچه‌باغی، تهران: منشورات علمی، ۱۴۰۴ق.
۱۳. پایگاه: WWW.KHAMENEI.IR، سید علی، خامنه‌ای، تاریخ بازدید: ۱/۵/۱۳۹۸ش

١٤. تاج العروس، محمد مرتضى زبيدي، تحقيق: علي شيرى، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ق.
١٥. تاريخ سيستان، ناشناس، تحقيق: ملك الشعراء بهار، تهران: مؤسسه خاور، ١٣١٤ش.
١٦. تحرير الوسيلة، روح الله خميني، النجف: دارالكتب العلمية، ١٣٩٠ق، الطبعة الثانية.
١٧. تقريب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق، الطبعة الثانية.
١٨. تكملة الرجال، عبدالنبي كاظمي، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم، قم: انوار الهدى، ١٤٢٥ق.
١٩. تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسي، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش، الطبعة الرابعة.
٢٠. تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٤ق، الطبعة الأولى.
٢١. «تضارب آراء شيخ طوسي و نجاشي درباره حريز بن عبدالله سجستاني»، مهدي بيات مختاري، مجله مطالعات اسلامي، علوم قرآن وحديث، ش ٨٧/٣، ١٣٩٠ش.
٢٢. تفسير القمي؛ علي بن ابراهيم قمي؛ قم: مؤسسه دارالكتاب للطباعة والنشر، ١٤٠٤ق، الطبعة الثالثة.
٢٣. التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، مقداد بن عبدالله سيوري، قم: مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤٠٤ق.
٢٤. تنقيح المقال فى علم الرجال، عبدالله مامقاني، (چاپ رحلى)، بى جا، بى نا و بى تا.
٢٥. جامع الرواه، محمد على أردبيلي، بى جا: مكتبة المحمدى، بى تا.
٢٦. الجرح والتعديل، عبدالرحمن بن ابى حاتم رازى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٣٧١ق، الطبعة الأولى.
٢٧. جواهر الكلام، محمد حسن نجفى، تحقيق: عباس قوچانى، طهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش، الطبعة الثانية.
٢٨. خلاصة الأقوال، حسن بن يوسف حلى، بى جا: مؤسسه نشر الفقاهة، ١٤١٧ق، الطبعة الأولى.
٢٩. ديوان السيد الحميرى، حميرى، بى نا، بى جا و بى تا.
٣٠. ذخيرة المعاد فى شرح الإرشاد، محمد باقر محقق سبزواري، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، بى تا.

٣١. ذكرى الشيعة فى أحكام الشريعة، محمد بن جمال الدين مكى عاملى، قم: مؤسسه آل- البيت(ع) لإحياء التراث، ١٤١٩ق، الطبعة الأولى.
٣٢. رجال ابن داوود، حسن بن على بن داوود حلى، النجف: منشورات مطبعة الحيدرية، ١٣٩٢ق.
٣٣. الرجال، احمد بن محمد برقى، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بى تا.
٣٤. الرجال، محمد بن حسن طوسى، تصحيح: جواد قيوى اصفهانى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٥ق چاپ اول.
٣٥. رجال النجاشى، احمد بن على نجاشى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجامعة المدرسين، ١٤١٦ق، الطبعة الخامسة.
٣٦. الرسائل الرجالية، محمد بن محمد كلباسى، تحقيق: محمد حسين درائتى، قم: دارالحديث، ١٤٢٢ق، الطبعة الأولى.
٣٧. الرسائل العشر، محمد بن حسن طوسى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعة المدرسين، بى تا.
٣٨. روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسى، تحقيق با اشراف حسين موسوى و على پناه اشتهاردى، تهران: بنياد فرهنگ اسلامى حاج محمد حسين كوشانپور، بى تا.
٣٩. سكه هاى ايران در دوره اسلامى تا برآمدن سلجوقيان، حسن رضايى باغبيدى، تهران: سمت، ١٣٩٣ش، چاپ اول.
٤٠. شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام، جعفر بن حسن حلى، طهران: انتشارات استقلال، ١٤٠٩ق، الطبعة الثانية.
٤١. شرح نهج البلاغه، عزالدين بن ابن ابى الحديد، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار إحياء الكتب العربية، ١٣٧٨ق، چاپ اول.
٤٢. الشهاب الثاقب فى بيان معنى الناصب، يوسف بن احمد بحراني، تحقيق: سيد مهدى رجايى، قم: محقق، ١٤١٩ق، الطبعة الأولى.
٤٣. صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، بيروت: دارالفكر، بى تا.
٤٤. على والخوارج، سيد جعفر مرتضى حسيني عاملى، بيروت: المركز الإسلامى للدراسات، ١٤٢٣ق، الطبعة الأولى.

٤٥. عيون اخبارالرضا(ع)، محمد بن على صدوق، تحقيق: حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤ق.
٤٦. غنية النزوع إلى علمى الأصول والفروع، حمزة بن على حلى، تحقيق: ابراهيم بهادرى، قم: مؤسسة الإمام الصادق(ع)، ١٤١٧ق، الطبعة الأولى.
٤٧. الفهرست، محمد بن حسن طوسى، تحقيق: جواد قىومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق، الطبعة الأولى.
٤٨. الفهرست، محمد بن النديم، تحقيق: رضا تجدد، بى نا و بى تا.
٤٩. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، طهران: دارالكتب الإسلاميه، ١٣٦٢-١٣٦٧ش، چاپ سوم تا پنجم.
٥٠. كامل الزيارات؛ جعفر بن محمد بن قولويه؛ تحقيق جواد قىومى، بى جا: مؤسسة نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
٥١. كشف الريبه عن احكام الغيبه، زين الدين عاملى شهيد ثانى، تهران: انتشارات مرتضوى، ١٣٧٦ش، الطبعة الرابعة.
٥٢. كشف الغمه فى معرفة الاثمه، على بن ابى الفتح إربلى، بيروت: دارالأضواء، ١٤٠٥ق، الطبعة الثانية.
٥٣. كفاية الأثر، على بن محمد خزاز قمى، تحقيق: عبداللطيف حسيني كوهكمري، قم: انتشارات بيدار، ١٤٠١ق.
٥٤. كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، على بن حسامالدين متقى هندی، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ق.
٥٥. المجموع، محيى الدين بن شرف نووى، شرح المهذب، بيروت: دارالفكر، بى تا.
٥٦. المختصر النافع، جعفر بن حسن حلى، طهران: قسم الدراسات الإسلاميه فى مؤسسة البعثه، ١٤١٠ق، الطبعة الثالثة.
٥٧. مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول(ص)، مجلسى محمدباقر، تحقيق: هاشم رسولى، تهران: دارالكتب الإسلاميه، ١٤٠٤ق، الطبعة الثانية.
٥٨. مستطرفات السرائر، محمد بن احمد ابن ادريس حلى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعه لجماعة المدرسين، ١٤١١ق، الطبعة الثانية.

۵۹. المعتمر، جعفر بن حسن حلی، تحقیق: جمعی از فضلا با اشراف ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سید الشهداء(ع)، ۱۳۶۴ش.
۶۰. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
۶۱. معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خوبی، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق، چاپ پنجم.
۶۲. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، بی تا، الطبعة الثانية.
۶۳. وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق، الطبعة الثانية.
۶۴. الوجیزه فی الرجال، محمدباقر مجلسی، تحقیق: محمدکاظم رحمان ستایش، تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی، دبیرخانه، بخش انتشارات، ۱۴۲۰ق.
۶۵. المقنعه، محمد بن محمد مفید، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۰ق، الطبعة الثانية.
۶۶. «نقد اندیشه رجالی ارسال روایات بی واسطه حریر از امام صادق(ع)»، مصطفی همدانی، مجله مطالعات فهم حدیث، شماره ۸، ۱۳۹۷ش.